

بِه نام خدا

هنرمند



فصل پنجم هنر و ادب



هنرمند

دیشب من سرگرم نقاشی کردن بودم که پدرم گفت: «من دوست دارم فرزندم هنرمند باشد؛
یک هنرمند خوب.»

من با خوش حالی گفتم: «پس من برای اینکه هنرمند باشم، سعی می‌کنم نقاشی کردن را خیلی
خوب یاد بگیرم.»



پدر گفت: «دخترم، هرکاری که با دقت و فکر انجام
شود، هنر است؛ مثلاً اگر تو بتوانی سفالگر بشوی و با
گیل چیزهای زیبا بسازی، هنرمند هستی.
قالی بافی هم هنر است. عکاسی هم هنر است؛
پس برای اینکه بتوانی یک عکس خوب بگیری، باید
هنرمند باشی.

فرزندم، هنرمند باید خوب فکر کند. با دقت به همه
چیز نگاه کند و صبر و حوصله داشته باشد تا در کارهایش
موفق شود.»



درس دهم

«هنرمند»

آموختنی‌ها

- ۱ هنرهای مختلف و ابزار مرتبط با آن‌ها
- ۲ گسترش واژگان
- ۳ آشنایی با زمان انجام کار در آینده



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

دیشب:
 سعی:
 فکر:
 مخلف:
 اندکی:
 مشغول:

کلمات مخالف

هنرمند $\neq$
 بادقت $\neq$
 خوب $\neq$
 صبر $\neq$

فرزند:
 هنرمند:
 سرگرم:
 موفق:
 صبر:
 سفال‌گر:

موفق $\neq$
 خیلی $\neq$
 سرگرم $\neq$



جعبه‌ی کلمات

کلمات هم‌معنی

شب گذشته	دیشب
تلاش	سعی
اندیشه	فکر
متضاد	مخالف
کمی	اندکی
سرگرم	مشغول

کلمات مخالف

بی هنر	هنرمند
بی دقت	بادقت
بد	خوب
عجله	صبر

فرزند	بچه
هنرمند	باهنر ، کسی که هنر دارد.
سرگرم	مشغول
موفق	پیروز
صبر	حوصله
سفال‌گر	کسی که با گل چیزهای زیبا می سازد.

موفق	= ناموفق
خیلی	= کم
سرگرم	= بیکار، مشغول نبودن



واژه سازی

درس دهم فارسی

هنرمند







آب



چرخ سفالگری



گل



پایه دوربین

فیلم دوربین

دوربین



دار قالی



نخ



نقشه



رنگ



بوم نقاشی



قلم مو



